

کوبدای و مردن کسوف تراختی بریز که بر کز جهان چنان منزل ندیده سیم کوبدای
 و زنده آدم کسوف تراختی بریز که بر کز ان خانه تاریک تر و تنگ تر ندیده
 و چون بر خارها پیش نهند سر را بکنز اول کوبدای فرزند آدم سعادت
 مرتز است اگر خوشدیدی خدای تعالی با تو هر وقت دوم کوبدای فرزند آدم
 سعادت مرتز است اگر جای تو در بهشت است و سیم کوبدای
 فرزند آدم وای بر تو اگر جای تو در دوزخ است و چون بر روی نماز کنده
 ندانند اول کوبدای فرزند چه کردی کسوف بر بینی دوم کوبدای فرزند آدم
 قرابتان تو ناب کوبدای نیست سیم کوبدای فرزند آدم کسوف تراکتی بریز
 و چون خارها پیش بلب کور نهند سر را بکنز اول کوبدای دوستان و قرابتان
 او را در کور نهید دوم کوبدای فرزند آدم دوستان ویران با هم بسیار سیم
 کوبدای فرزندان آدم دوستان و قرابتان ویران با عاید و درید و چون
 در کور نهند سر را بکنز اول کوبدای فرزند آدم از ان روشنائی برین تابان
 چه آوردی دوم کوبدای فرزند آدم از ان ابوابی بدین ویرانی چه آوردی سوم
 کوبدای فرزند آدم از ان توانگری بدین درویشی چه آوردی و چون خاک
 بر فرود زنده سر را بکنز اول کوبدای فرزند آدم امید زنده گشت هم حرکت آدم دوم

کوبدای

کوبدای فرزند آدم مالت از دست ^{بخت} و مالت حاصل آمد و سیم کوبد
 ای فرزند آدم کارت بند و کردارت آمد سعادت مرتز است اگر کسب
 سلال بوده است و وای مرتز است اگر کسب حرام بوده است مسکن
 فرزند آدم عاجز گشت باید که بهر کار بکوشد از کار آخرت و به چیزی را
 برانند از مرک خویش روایت کنند از پیغمبر صلی الله علیه و سلم و از
 حسن ابوری رحمه الله علیه که او گفت چنین فرزند آدم را در کوار سلاله
 الموت ملک بجان سترن او آید و او را کوبد بجهت بار است کردی فرزند
 آدم کوبد بجهت توحیت ملک الموت کوبد بجهت سیم مرتز است فریضه
 که در ان بوقت خویش و خصمان مشغول کردن بوقت زنده گانی خویش
 و سبکی مال دادن بدست خویش و چون ویران بشوی بنهتن شوکی
 کوبد بجهت من چه آوردی فرزند آدم کوبد بجهت توحیت کوبد بجهت من سر
 چیست کی عم گمان که نشسته خوردن و دیگر طاعت کردن و دیگر
 معصیت و نافرمانی دور بولان و چون بر خارها اسل نهند خارها
 کوبد بجهت من چه آوردی فرزند آدم کوبد بجهت توحیت کوبد بجهت من
 سه مرتز است از زشتی خوشتن و استغفار کردن و باب سیم